

در باره نرخهای رشد جمعیت ایران ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵

دکتر حسن سرایی *

بیش از سه دهه است که جمعیت کشور ما با نرخ رشدی در حدود ۳ درصد در سال در حال افزایش است. در فاصله بین اولین سرشماری (۱۳۳۵) و آخرین سرشماری (۱۳۶۵) سراسری نفوس، نرخ رشد سالیانه جمعیت ایران در حدود ۳/۳ درصد در سال بوده است. نرخ رشد سالیانه جمعیت در هر دهه نیز از این قرار بوده است: (۱)

۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ ۳/۱ درصد در سال

۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ ۲/۷ درصد در سال

۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ ۳/۹ درصد در سال

آیا این نرخهای رشد عادی، متعارف، یا نرمال اند؟

در مقاله حاضر، ضمن بحث در پیرامون این سؤال سعی می‌کنیم معنای نرخ رشد سالیانه حدوداً ۳ درصد در سال را که حضوری سی و چند ساله در کشور ما داشته است تا

* عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی
(۱) این نرخها بر مبنای آمارهای گزارش شده حجم جمعیت در سرشماریهای سراسری کشور محاسبه شده‌اند.

حدودی روشن کنیم. به باور ما ادراک این معنا، هر چند با تأخیر، احتمالاً به ماکمک خواهد کرد تا به هنگام اتخاذ و بیان موضع نسبت به جمعیت و تحولات آن واقعیت تجربی را نیز در مد نظر آوریم.

شیوه برخورد

ابتدا باید تعریفی، هر چند موقت، از نرخ نرمال یا عادی و متعارف ارائه دهیم. پس از آن است که شیوه برخورد مقتضی را می‌توانیم انتخاب، اتخاذ، و اعمال کنیم.

بعضی برآنند که شتاب تغییر در حجم جمعیت امروز ایران عادی است. بدین معنا که جمعیتها همیشه با چنین آهنگی در تغییر بوده‌اند، در تغییرند، و در آینده نیز با همین آهنگ تغییر خواهند کرد. به همراهی با این باور، مانیز نرخ نرمال را - که مبنای داوری و نرخ مرجع ماست - نرخ در نظر می‌گیریم که حضور آن مداوم و همه‌جایی است.

حال، بنابر تعریفی که از نرخ نرمال ارائه شد، نرخهای رشد جمعیت ایران در چند دهه اخیر در صورتی می‌توانند نرمال باشند که در گذشته به طور سیستماتیک جاری بوده و در آینده نیز به طور مداوم حاضر باشند. اضافه بر آن، در میان جمعیت‌های ساکن در قلمروهای مختلف جغرافیایی و سیاسی نیز معمول باشند، لذا:

□ حضور این نرخها را در گذشته جستجو می‌کنیم؛

□ آثار تداوم این نرخها را بر جمعیت آینده کشور بررسی می‌کنیم؛

□ نرخهای مزبور را با نرخهای متناظر در جهان و قاره‌ها (در فاصله ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵) مقایسه می‌کنیم.

□ نرخهای مزبور را با نرخهای جاری در کشورهای جهان سوم در سال ۱۹۸۵ مقایسه می‌کنیم.

بررسی اجمالی در گذشته

با نرخهای رشد سالیانه جمعیت در دهه‌های واقع بین سرشماریهای سراسری کشور چیزی بین ۵/۵ تا ۸ قرن و با نرخ متوسط رشد سالیانه جمعیت سه دهه (۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵) کمتر از ۷ قرن طول می‌کشد تا از دو نفر آدم جمعیت امروز جهان پدید آید. از اینرو پیداست که نرخهای چند دهه اخیر ایران در تاریخ قریب به ۲/۵ میلیون ساله بشر، حتی برای چند سده نیز نباید به طور سیستماتیک معمول بوده باشند. لذا، این نرخها بنا بر تعریف، به وضوح غیر نرمال و نامتعارف‌اند. علیرغم این نکته باز هم جا دارد که مطلب را دنبال کنیم و نرخهای رشد سالیانه جمعیت گذشته جهان را به اجمال مرور کنیم.

اگر تاریخ حضور انسان بر روی زمین را یک شبانه روز در نظر بگیریم، فقط در دقایق آخر است که بشر اسکان پیدا می‌کند.^(۱) پیش از آن، (که تقریباً ۹۹/۵ درصد از تاریخ شناخته شده حیات او را بر روی این سیاره در بر می‌گیرد) بنابه نظر بعضی از دیرین شناسان قومی، بشر پیوسته در پی گردآوری خوراک در حرکت بوده است. نرخ جمعیت این دوره را چیزی در حدود ۰/۰۰۲ درصد در سال یعنی تقریباً صفر برآورد کرده‌اند. با این نرخ رشد بیش از ۳۵ هزار سال یا متجاوز از ۳۵۰ قرن طول می‌کشد تا جمعیتی از نظر حجم دو برابر شود.^(۲)

در حدود ده تا دوازده هزارسال پیش انسان موفق شد مواد غذایی لازم را در پیرامون

(۱) فرضی که در پس این سخن نهفته است این است که در دوران پیش از تاریخ تمدنهایی که همسطح تمدنهای دوره تاریخی باشند پدید نیامده است.

(۲) با توجه به افزایشی که در برآورد قدمت حضور انسان بر روی زمین در پرتو اطلاعات جدید پیش آمده است در این نرخ باید تجدید نظر شود. در واقع، اگر قدمت حضور انسان را بر روی این سیاره بیش از ۲ میلیون سال بگیریم نرخ مزبور تا کمتر از ۰/۰۰۱ درصد در سال تقلیل پیدا می‌کند. درباره برآورد ۰/۰۰۲ درصد در سال برای این دوره نگاه کنید به (Bertson, 1974 P.3) همچنین، برای مطالعه بیشتر در باره وضعیت دموگرافیک دوران ما قبل کشاورزی نگاه کنید به (سرای، ۱۳۶۹). فصلنامه رشد علوم اجتماعی.

خود تولید کند و از سرگردانی ناشی از حرکت مداوم به دنبال خوراک خلاصی یابد. به برکت این انقلاب تاریخ ساز، جوامع و تمدنهای دوره کشاورزی در جای جای زمین پدید آمد و نیروهای مرگ آفرین نیز تا حدودی مهار گردید. در نتیجه، نرخ رشد سالیانه جمعیت به طور متوسط تا ۰/۰۴ درصد در سال افزایش یافت.^(۱) یعنی آهنگ رشد جمعیت تندتر شد، به صورتی که برای دو برابر شدن جمعیت، به جای ۳۵۰۰۰ سال، فقط ۱۷۵۰ سال لازم می شد. با وجود این، نرخ رشد سالیانه جمعیت باز هم چندان از مرز صفر دور نیفتاد. به تعبیر دیگر، تعادل موجود بین باروری و مرگ و میر در دوره کشاورزی نیز ادامه پیدا کرد. وقوع رنسانس در اروپا، همراه با انقلابهای مذهبی که عمدتاً در غرب و شمال این قاره واقع شد، بینش نوینی از انسان و جهان را در میان اروپاییان پدید آورد. این بینش توأم با انضباط ملازم با آن و تبعات اولیه اش، تعادلی را که بین باروری و مرگ و میر در سر تا سر تاریخ وجود داشت حتی پیش از انقلاب صنعتی به هم زد. وقوع انقلاب صنعتی و در پی آن، انقلاب پزشکی، علی الخصوص شناسایی و کاربرد شیوه های ایمن سازی و واکسیناسیون، سطح مرگ و میر در این قاره را به شکل بی سابقه ای پایین آورد. در نتیجه، برای اولین بار در تاریخ بشر بین باروری و مرگ و میر به طور سیستماتیک فاصله افتاد و نرخهایی که تا آن زمان به لحاظ اندازه و تداوم، نظیری در تاریخ نداشتند در جای جای این قاره ظاهر گردید و جوامع اروپایی یکی پس از دیگری دوره گذار دموگرافیک را آغاز کردند.^(۲)

جوامع و اجتماعات غیر اروپایی نیز به طور محدود از تحولات اروپا متأثر گردیدند مع الوصف، این جوامع و اجتماعات (از جمله ایران) برای دستیابی به نرخهای بالای رشد باید تا پس از جنگ دوم جهانی منتظر می ماندند. چرا که پس از جنگ دوم بود که در پی کشف آنتی بیوتیک ها، استقلال مستعمرات، و تأسیس سازمان جهانی بهداشت، تکنولوژی

(۱) در این باره نگاه کنید به (United Nations, 1973, P.12)
 (۲) همان طور که بعداً ملاحظه خواهیم کرد، این جوامع اکثراً در حال خارج شدن از این دوره اند.

به تعویق انداختن مرگ به سرعت به کشورهای جهان سوم راه یافت و مرگ و میر در این کشورها را اکثراً با شتابی که در تجربه اروپا بی سابقه بود پایین آورد. در نتیجه، تعادل بین باروری و مرگ و میر به شدت به هم خورد و در جوامع و اجتماعاتی که فی الواقع در دوران کشاورزی و جمع آوری خوراک می زیستند و قاعداً باید نرخهای رشد این دوره‌ها (۰/۰۴ درصد یا کمتر) را می داشتند، بی سابقه ترین نرخهای رشد تاریخ، یکی پس از دیگری ظاهر گردید. نرخهای رشد سالیانه جمعیت ایران در چند دهه گذشته نیز از کم سابقه ترین این نرخهاست. از اینروست که این نرخها غیر نرمال، نامتعارف، و غیر عادی‌اند و برای حتی چند سده هم در گذشته نمی توانسته‌اند تداوم داشته باشند.

آثار تداوم این نرخها بر جمعیت آینده کشور

نرخهای رشد سالیانه جمعیت ایران در چند دهه اخیر، همان طور که ملاحظه کردیم، پدیده‌هایی بسیار مدرن و متأخرند. از این رو، در مقایسه با نرخهای حاکم در گذشته تاریخی بسیار نامتعارف، دور از نرمال و غیر عادی‌اند. حال، این سؤال پیش می آید: آیا این نرخها موقت‌اند یا آنکه برای مدت زمانی طولانی باقی خواهند ماند؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤال بگذارید این نرخها را به آینده نه چندان دور هم تعمیم دهیم و سپس آثار این تداوم را بر جمعیت آینده کشور ملاحظه کنیم.

جدول شماره (۱) جمعیت‌های منتج از تداوم عمل نرخهای مزبور را در آینده بالنسبه نزدیک نشان می دهد. فی‌المثل، اگر نرخ متوسط رشد سالیانه جمعیت در سی ساله واقع بین اولین و آخرین سرشماری سراسری کشور، یعنی $\frac{3}{3}$ درصد در سال، تداوم پیدا کند جمعیت کشور ظرف ۲۲ سال حدوداً دو برابر و ظرف ۹۳ سال حدوداً بیست برابر خواهد شد. به تعبیر دیگر، با فرض تداوم عمل نرخ مزبور، بچه‌هایی که امروز متولد شوند در دوران جوانی (حدوداً ۲۰ سالگی) جمعیتی صد میلیونی را در قلمرو کنونی ایران

مشاهده می‌کنند و در زمانی که جمعیت ساکن در این قلمرو نزدیک به جمعیت امروز چین شود بعضاً زنده‌اند. همچنین، در صورت تداوم عمل نرخ رشد $3/3$ درصد در سال ظرف حدوداً ۱۴۰ سال جمعیت کشور تقریباً صد برابر می‌شود.

به تعبیر دیگر، ظرف ۱۴۲ سال جمعیت ساکن در قلمرو کنونی کشور به چیزی نزدیک به جمعیت امروز جهان خواهد رسید. همچنین، اگر قرار بر آن باشد که نرخ متوسط رشد سالیانه معمول در گذشته سی و اندی ساله ایران در آینده تداوم پیدا کند ظرف کمی بیش از $1/5$ قرن (حدود ۱۶۴ سال) جمعیت ساکن در این قلمرو به ده میلیارد نفر خواهد رسید.^(۱)

جدول شماره ۱ - سالهای لازم برای رسیدن جمعیت کشور به حجم معین (به میلیون) با فرض تداوم نرخهای مفروض رشد

جمعیت به میلیون				نرخ
۱۰,۰۰۰	۵,۰۰۰	۱,۰۰۰	۱۰۰	
۱۷۴ سال	۱۵۱ سال	۹۸ سال	۲۳ سال	$3/1$
۱۹۹ سال	۱۷۳ سال	۱۱۳ سال	۲۶ سال	$2/7$
۱۳۹ سال	۱۲۱ سال	۷۹ سال	۱۸ سال	$3/9$
۱۶۴ سال	۱۴۲ سال	۹۳ سال	۲۲ سال	$3/3$

پیدا است که در آینده بالنسبه نزدیک هم نرخهای مزبور قابل دوام نیستند. زیرا، سکونت

(۱) در واقع، جهان ممکن است چنین جمعیتی را هرگز به خود نبیند.

جمعیت‌های صدها میلیون، میلیاردی، و چندین و چند میلیاردی در این سرزمین، حتی با فرض پیشرفت قابل ملاحظه در سطح تکنولوژی کشور، بسیار دشوار و حتی ممتنع است خلاصه آنکه، نرخهای رشد سالیانه جمعیت ایران در چند دهه اخیر در گذشته وجود نداشته‌اند و در آینده هم نمی‌تواند باشند. این نرخها گذرا و موقت‌اند، نرخهای دوره به هم خوردگی تعادل طبیعی بین باروری و مرگ و میرند، نرخهای دوره گذار دموگرافیک‌اند. از این دیدگاه، این نرخها به وضوح ناپایدار و بنا به تعریف، غیر نرمال، نامتعارف و غیر عادی‌اند.

ایران، جهان و قاره‌ها: ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵

حال که فهمیدیم نرخهای چند دهه اخیر در ایران نرخهای دوران گذارند، سؤال دیگری را پیش می‌کشیم: این نرخها در مقایسه با نرخهای مناطق و کشورهای دیگر چه موقعیتی دارند؟ به تعبیر دیگر، این نرخها در مقایسه با نرخهای دوره گذار در مناطق دیگر چگونه‌اند؟ آیا از آنها بزرگترند، کوچکترند، یا با آنها هم ارز هستند؟

جدول شماره (۲) نرخهای رشد سالیانه جمعیت ایران را از سال ۱۳۳۵ هجری شمسی (مقارن با ۱۹۵۶ میلادی)، سال اجرای اولین سرشماری عمومی نفوس در کشور تا سال ۱۳۶۵ (مقارن با ۱۹۸۶ میلادی)، سال اجرای آخرین سرشماری عمومی نفوس در کشور، یکجا برای هر سه دهه و جداگانه برای هر دهه نشان میدهد. در کنار این نرخها، نرخهای رشد سالیانه جمعیت جهان و قاره‌ها هم که همزمان وجود داشته گزارش شده است.

جدول شماره ۲ - نرخهای رشد سالیانه جمعیت ایران، جهان و قاره‌ها
(۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵) (*)

دوره	ایران	جهان	قاره‌ها					
			آسیا	اروپا	آفریقا	آمریکا	اقیانوسیه	اتحاد شوروی
۱۳۴۵ تا ۱۳۳۵	۳/۲	۱/۹	۲/۱	۰/۳	۲/۴	۲/۲	۱/۰۰	۱/۶
۱۳۵۵ تا ۱۳۴۵	۲/۷	۲/۰۰	۲/۴	۰/۳	۲/۷	۱/۹	۱/۸	۰/۹
۱۳۶۵ تا ۱۳۵۵	۳/۹	۱/۷	۱/۸	۰/۳	۳/۰	۱/۸	۱/۵	۱/۰
۱۳۶۵ تا ۱۳۳۵	۳/۳	۱/۹	۲/۱	۰/۳	۲/۷	۲/۰۰	۱/۵	۱/۲

پیدااست که آهنگ رشد جمعیت ایران در فاصله بین اولین و آخرین سرشماری عمومی کشور و طی هر سه دهه، به مراتب سریعتر از نرخهای متناظر در جهان بوده است. فی‌المثل جمعیت جهان در سی ساله واقع بین ۱۳۳۵ و ۱۳۶۵ (مقارن با ۱۹۵۶ تا ۱۹۸۶)، ضمن تجربه بالاترین نرخهای تاریخ خود، به طور متوسط آهنگ رشدی در حدود ۱/۹ درصد در سال را داشته است. حال آنکه جمعیت ایران در همان دوره، به طور متوسط، نرخ رشدی در حدود ۳/۳ درصد در سال را تجربه کرده است. در واقع، تداوم نرخی چنین بزرگ (۳/۳ درصد در سال) برای مدت زمانی چنین طولانی (بیش از سه دهه) اگر بی‌نظیر نباشد مسلماً در نوع خود کم‌نظیر است. اضافه برآن، در حالی که آهنگ رشد جمعیت جهان در حدود سال ۱۹۷۰ میلادی به اوج خود (کمی بیش از ۲ درصد در سال) می‌رسد، جمعیت ایران حدوداً با یک دهه تأخیر رکورد کم‌نظیر نزدیک به ۴ درصد در سال را برای خود به جا

(*) نرخهای رشد جمعیت جهان و قاره‌ها بر حسب اطلاعات مندرج در سالنامه جمعیت (۱۹۸۵) برآورد شده است.

لوحة شماره ۱- نرخ رشد سالیانه جمعیت برای کشورهای مختلف جهان در سال ۱۹۸۵



می‌گذارد.^(۱)

ایران در مقایسه با کشورهای دیگر: ۱۹۸۵

لوحه شماره ۱ نرخ رشد سالیانه جمعیت را، به صورت درصد، برای کشورهای مختلف جهان، با جمعیت حداقل ۵ میلیون نفر در سال ۱۹۸۵ بر روی پیوستار نشان می‌دهد. این نرخها از زیر صفر (منفی) برای کشورهای آلمان غربی و شرقی، مجارستان، بریتانیا، دانمارک و سوئیس آغاز می‌شود و تا حدود ۴ درصد در سال برای کشورهای عربستان سعودی، کنیا، عراق و شاید ایران ادامه پیدا می‌کند.

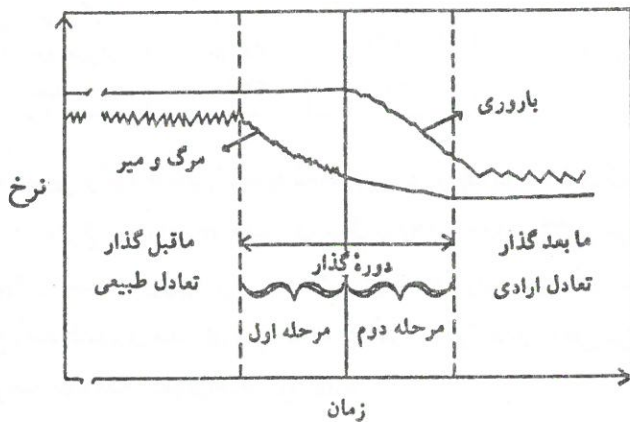
در ابتدای پیوستار ملاحظه می‌شود که غیر از چند کشور اروپایی با نرخ رشدی بالاتر از ۰/۵ و کمتر از ۱ درصد در سال، کشورهای دیگر اروپا در سال ۱۹۸۵ دارای نرخ رشد سالیانه‌ای در حدود ۰/۵ درصد یا کمتر بوده‌اند. به تعبیر دیگر، کشورهای اروپایی اکثراً در آستانه خروج از دوره گذار و دستیابی به تعادل ارادی بین باروری و مرگ و میر هستند. کشورهای غیر اروپایی ژاپن و کوبا، با نرخ رشد ۰/۷ درصد در سال، در کنار کشورهای اروپایی اسپانیا، لهستان و رومانی قرار گرفته‌اند. ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در این سال نرخ رشدی در حدود ۱ و کانادا نرخ رشدی در حدود ۱/۱ را تجربه کرده است. چین، استرالیا، و سریلانکا هم با نرخ رشد ۱/۴ درصد در سال به سوی نرخهای کشورهای اروپایی در حرکت‌اند.

نزدیک به نیمی از کشورهای جهان در سال ۱۹۸۵ که دارای جمعیتی ۵ میلیون نفری یا بیشتر بوده‌اند به لحاظ نرخ رشد سالیانه جمعیت در وسط پیوستار واقع شده‌اند. یعنی، نرخ رشدشان بین ۱/۵ تا ۳ درصد در سال بوده است. مع‌الوصف، بر خلاف کشورهای ابتدای

(۱) با مراجعه به جدول شماره ۲، خواننده می‌تواند نرخهای رشد جمعیت ایران را در دهه‌های واقع بین ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ هجری شمسی با قاره‌ها هم مقایسه کند.

پیوستار که به لحاظ نرخهای حیاتی وضعیت روشنی دارند، کشورهای وسط پیوستار را با توجه به موقعیتی که در فرآیند گذار دموگرافیک احراز کرده‌اند به دو گروه متمایز می‌توان تقسیم کرد.

شکل شماره ۱: الگوی نظری گذار دموگرافیک



گروه اول شامل کشورهایی است که در اواسط مرحله اول گذار دموگرافیک قرار می‌گیرند. در این کشورها باروری تقریباً در سطح سابق حفظ شده است، حال آنکه مرگ و میر تا حدودی تنزل کرده است. اکثریت کشورهای آفریقا دارای چنین وضعیتی هستند. فی‌المثل، اتیوپی با نرخ خام ولادت $49/7$ در هزار در سال نرخ رشد سالیانه‌اش در سال ۱۹۸۵ در حدود $2/4$ درصد در سال بوده است.

گروه دوم شامل کشورهایی است که مرحله اول گذار را طی کرده‌اند، باروریشان تا حدودی شکسته شده است، و در نیمه اول مرحله دوم گذار دموگرافیک قرار دارند. اکثریت کشورهای آسیا و آمریکای لاتین در این وضعیت‌اند. فی‌المثل کره شمالی با نرخ خام ولادت $30/5$ در هزار سال نرخ رشد سالیانه‌ای در سال ۱۹۸۵ در حدود $2/4$ درصد در سال بوده است.

جدول شماره ۳- نرخهای خام ولادت و مرگ و نرخهای رشد سالیانه جمعیت
اتیوپی و کره شمالی، (۱۹۸۵)

اختلاف (مبنا = اتیوپی)	کره شمالی	اتیوپی	نرخ
- ۱۹ / ۲	۳۰ / ۵	۴۹ / ۷	خام ولادت
- ۱۷ / ۲	۶	۲۳ / ۲	خام مرگ
- ۲ / ۰	۲۴ / ۵	۲۶ / ۵	رشد طبیعی
۰۰	۲۴ / ۰	۲۴ / ۰	رشد

اختلاف اتیوپی و کره شمالی، چه به لحاظ باروری و چه به لحاظ مرگ و میر بسیار بارز است. با اینحال، نرخ رشد این دو کشور در سال ۱۹۸۵ به مقدار ۲۴ در هزار یا ۲/۴ درصد در سال، هم ارز است. بنابراین، نرخ رشد کشوری که تازه وارد دوره گذار شده است ممکن است با نرخ رشد کشوری مساوی شود که نه تنها مرحله اول گذار را طی کرده است بلکه در نیمه اول مرحله دوم گذار دموگرافیک قرار دارد.

در انتهای پیوستار کشورهای را ملاحظه می‌کنیم که در سال ۱۹۸۵ بالاترین نرخهای رشد سالیانه را داشته‌اند. اگر نرخ رشد سالیانه جمعیت ایران بین دو سرشماری ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ - یعنی نزدیک به ۴ درصد در سال - را برای سال ۱۹۸۵ میلادی (تقریباً مقارن با ۱۳۶۴ هجری شمسی) بپذیریم، کشور ما در کنار کشور مهاجر پذیر عربستان سعودی، با نرخ رشدی در حدود ۴/۳ درصد در سال، و کنیا با نرخ رشدی در حدود ۴/۱ درصد در سال، یکی از بزرگترین نرخهای تاریخ خود و تاریخ بشر را در این سال تجربه کرده است. حتی اگر نرخ رشد سالیانه جمعیت ایران در سال ۱۹۸۵ را کمتر از ۴ درصد ولی بیشتر از ۳ درصد بگیریم باز هم کشور ما تقریباً در زمره یک دوجین از کشورهای جهان است که در اواخر مرحله اول گذار دموگرافیک، یکی از بزرگترین نرخهای رشد دوره گذار را دارا

هستند. مع الوصف، همان طور که پیش از این هم اشاره کردیم آنچه جمعیت ایران را از جمعیت کشورهای دیگر دارنده نرخهای بالای رشد (اغلب آفریقایی) متمایز می‌کند توقف بسیار طولانی آن در اواخر مرحله اول گذار دموگرافیک است. در واقع کشور ما از این نظر اگر بی نظیر نباشد مطمئناً کم نظیر است.

خلاصه و نتیجه گیری

جمعیت کشور ما در حدود یک ثلث قرن است که با نرخ رشد سالیانه‌ای بیش از سه درصد در سال در حال افزایش بوده است. بعضی گمان می‌کنند که جمعیتها همیشه و همه جا با چنین آهنگی در حال افزایش بوده‌اند، هستند و خواهند بود. به تعبیر دیگر، آهنگ تغییر در جمعیت کشور را در این مدت امری عادی فرض می‌کنند. ما نیز به دنبال آزمودن این گمان به این نتایج رسیدیم:

(۱) نرخهای رشد جمعیت ایران در چند دهه اخیر حتی برای چند سده هم در تاریخ صدها هزار تا بیش از دو میلیون ساله بشر نمی‌توانسته است مداومت داشته باشد. در واقع، نرخ متوسط رشد سالیانه جمعیت در دوران ما قبل کشاورزی (کمتر از ۰/۰۰۲ درصد در سال) و دوران کشاورزی (حدود ۰/۰۴ درصد در سال) هیچوقت به طور سیستماتیک از صفر فاصله نگرفت. در چند سده اخیر، خصوصاً پس از انقلاب صنعتی در اروپا و در چند دهه اخیر، خصوصاً پس از جنگ دوم جهانی در کشورهای جهان سوم بود که بین نرخهای مرگ و میر و باروری به طور سیستماتیک فاصله افتاد. بنابراین، نرخهای چند دهه اخیر در ایران پدیده‌ای نوین و بسیار متأخر است.

(۲) این نرخها در آینده نیز چندان قابل دوام نخواهد بود. زیرا، در صورت تداوم نرخ متوسط رشد سالیانه جمعیت ایران در سی و چند ساله اخیر، در کمتر از یک قرن جمعیتی نزدیک به جمعیت امروز چین و در ظرف تقریباً یک و نیم قرن، جمعیتی در حدود دو برابر جمعیت کنونی جهان را در قلمرو فعلی ایران پدید خواهد آورد. (البته ممکن است که جهان

هرگز چنین جمعیتی را به خود نیند).

پیداست که در آینده نزدیک - فی‌المثل، تا یک قرن دیگر - نرخهای رشد چند دهه اخیر ایران قابل دوام نیست، چه رسد به آینده‌ای که می‌تواند به گسترده‌گی گذشته باشد.

(۳) در حالی که جهان در فاصله بین ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ هجری شمسی بزرگترین نرخهای تاریخ خود (به طور متوسط $1/9$ درصد در سال) را تجربه می‌کرد، جمعیت ایران در همین دوره با آهنگی به مراتب تندتر در حال افزایش بود. اضافه بر آن، در حالی که جهان در حدود سال ۱۹۷۰ میلادی رکورد، به احتمال قریب به یقین، تکرار ناپذیر تقریباً ۲ درصد در سال را از خود به جا می‌گذارد، ایران پس از حدوداً یک دهه با نرخ رشدی در حدود ۴ درصد در سال شتابی را در افزایش جمعیت خود تجربه می‌کند که نزدیک به دو برابر اوج شتاب افزایش در جمعیت جهان است.

(۴) اگر نرخ رشد سالیانه جمعیت بین دو سرشماری اخیر ایران را برای سال ۱۹۸۵ میلادی (مقارن با ۱۳۶۴ هجری شمسی) مفروض بداریم، ایران (پس از عربستان و کنیا) بالاترین نرخ رشد سال و شاید تاریخ‌گذار دموگرافیک را تجربه کرده است. همچنین، اگر نرخ رشد جمعیت ایران را در این سال کمتر از ۴ درصد ولی بیشتر از سه درصد بگیریم، باز هم ایران در زمره حدوداً دوازده کشورهای آفریقایی و خاورمیانه‌ای است که بالاترین نرخهای رشد جمعیت را در این سال دارا بوده‌اند. بنابراین، در مقایسه با نرخهای گذار کشورهای دیگر، نرخ رشد جمعیت ایران در این سال نیز فی‌الواقع کم نظیر است.

خلاصه، اگر ما به دنبال نرخ عادی یا نرمال باشیم و اگر عادی بودن نرخ را بر حسب میزان عمومیت زمانی و مکانی آن بسنجیم،^(۱) نرخ رشد سالیانه صفر یا در مرز صفر را باید عادی تلقی کنیم. زیرا غیر از چند سده، حتی چند دهه اخیر، این نرخ در تمامی تاریخ بشر

(۱) پیداست که در پس لفظ نرمال و عادی نوعی عمومیت و مداومت ملحوظ است. از این رو، ما هم نرخ نرمال را که نرخ مرجع و مبنای داوری ماست نرخ گرنیتیم که حضوری مداوم و همه - جایی داشته باشد.

حاکم بوده است.

نرخهای چند دهه اخیر ایران نه فقط در گذشته عمومیت نداشته است در آینده هم نمی تواند مداومت پیدا کند. این نرخها گذار و موقتی هستند؛ بر می گردند به از دست رفتن موقتی تعادل بین باروری و مرگ و میر، این نرخها مربوط به دوره گذار دموگرافیک و از کم سابقه ترین نرخهای این دوره اند. بنابراین، نرخهای چند دهه اخیر ایران نه فقط عادی نیستند بلکه در زمره غیر عادی ترین نرخهای تمام تاریخ اند.

مراجع

- 1) Berlson, Bernard. World Population: Status Report, 1974. NY: Population Council, 1974.
- 2) United Nation's Demographic Yearbook, 1985. NY: United Nations, 1986.
- 3) United Nations The Determinants and Consequences of Population Trends. NY: United Nations, 1973.

۴- سرایی، حسن « جمعیت انسانهای روی زمین: دوران ماقبل کشاورزی » رشد علوم اجتماعی، سال اول، تابستان ۱۳۶۹.